

رفتارشناسی رویکردهای جدید در سیاست خارجی هند

مهدی سبحانی^۱

چکیده: توسعه سریع کشورهای آسیایی پیامدهای مختلفی در برداشته است. موفقیت در پیشبرد سریع توسعه در میان کشورهای آسیایی باعث شده تا این منطقه اولاً به یکی از پویاترین مناطق در اقتصاد جهانی تبدیل شود و ثانیاً به عنوان یک کانون نوظهور ثروت و قدرت در جهان تلقی شود. الزام توسعه اقتصادی این کشورها از یک طرف و دگرگونی‌های گسترده در نظام بین‌الملل جهت‌گیری‌های جدیدی را به سیاست خارجی این کشورها تحمیل کرده است. نگاهی کوتاه به سیاست خارجی هند طی دو دهه اخیر نشان‌دهنده تغییرات اساسی در جهت‌گیری سیاست خارجی آن کشور است که شاید بتوان از آن به عنوان چرخش به راست در سیاست خارجی هند نام برد. نگاهی کوتاه به سیاست خارجی هند طی دو دهه اخیر نشان‌دهنده تغییرات اساسی در جهت‌گیری سیاست خارجی آن کشور است که شاید بتوان از آن به عنوان چرخش به راست در سیاست خارجی هند نام برد. هند که از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد به‌شمار می‌رود و چهار دهه پس از استقلال نگاه به چپ بر سیاست خارجی آن مسلط بود اکنون به شریک استراتژیک ایالات متحده در منطقه و جهان تبدیل شده است. جهت‌گیری نوین در سیاست خارجی هند آثار متعددی در منطقه دارد. این مقاله درصدد بررسی متغیرهای مؤثر در جهت‌گیری‌های نوین سیاست خارجی هند است.

واژگان کلیدی: هند، چین، آمریکا، روسیه، اتحاد شوروی، توسعه، انرژی، ایران.

۱. آقای مهدی سبحانی، معاون مدیرکل آسیای غربی وزارت امور خارجه

روند تحولات در آسیا و آینده آن در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. توسعه سریع کشورهای آسیایی پیامدهای مختلفی در حوزه‌های متفاوت روابط بین‌الملل داشته و خواهد داشت. تاریخ آسیا شاهد فراز و نشیب‌های سیاسی فراوانی بوده است. پس از جنگ جهانی دوم و با توجه به شرایط سیاسی و ایدئولوژیک حاکم بر نظام بین‌الملل، آسیا نیز دوران پرتنشی را پشت سر گذاشت. از منظری تاریخی فرآیند تغییر در آسیا در نیمه دوم قرن بیستم را به دو دوره کلی می‌توان تقسیم کرد:^(۱)

دوره اول پس از جنگ دوم جهانی آغاز شد و بیش از سه دهه به طول انجامید. این دوره را می‌توان دوره مبارزات ضد استعماری و درگیری‌های ایدئولوژیک خواند. در این دوره، از یک سو، به دلیل تغییر وضع و نظم بین‌المللی و نیز تحولات داخلی کشورهای این منطقه، مبارزه با استعمار و تلاش برای استقلال نقش مهمی در شکل‌دهی به روندهای کلی منطقه ایفا کرد. از دیگر سو، حاکم شدن فضای ایدئولوژیک در نظام بین‌الملل تأثیرات خود را بر این منطقه نیز گذاشت و تعارضات و درگیری‌های ایدئولوژیک را به یکی دیگر از متغیرهای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرد. مبارزات ضد استعماری و درگیری‌های ایدئولوژیک همراه با ظهور نظام بین‌الملل دوقطبی و جنگ سرد باعث شد تا اولاً کشورهای جدیدی در منطقه متولد شوند و ثانیاً مرزبندی‌های سیاسی جدیدی میان کشورها به وجود آید. به‌طور کلی، در این دوره فضای حاکم بر مناسبات کشورهای منطقه، تحت تأثیر فضای غالب در نظام بین‌الملل و نیز تحولات داخلی، پرتنش و مخاصمه‌آلود بود. این فضای تنش‌آلود باعث شد تا جنگ‌های زیادی در این دوره در آسیا رخ دهد که از آن جمله می‌توان به جنگ کره، جنگ چین و هند؛ جنگ‌های هند و پاکستان و مهمتر از همه جنگ ویتنام اشاره کرد.

دوره دوم که از دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌شود را می‌توان دوران رویکرد اقتصادی و توسعه نامید. شاخصه اصلی این دوره ظهور «دولت‌های توسعه‌گرا» و به تبع آن تمرکز بر توسعه اقتصادی نزد تعدادی از کشورهای آسیایی بود که بر تحولات منطقه نیز تأثیرگذار بودند. دولت توسعه‌گرا ابتدا در کشورهای کوچک و متوسط آسیا شکل گرفت، و نقش رهبری و راهبری خود را در پیشبرد توسعه در این کشورها ایفا کرد. در مراحل بعد دولت توسعه‌گرا در چین و هند به‌عنوان قدرت‌های آسیایی شکل گرفت و مدیریت توسعه را بر عهده گرفت. دولت توسعه‌گرا در بخش مهمی از آسیا از کشورهای کوچک گرفته تا متوسط و به ویژه کشورهای بزرگ، موفقیت‌های عظیمی را در نیل به شاخص‌های توسعه کسب کرده است. شاهد این مدعا ارتقای سریع جایگاه بسیاری از کشورهای آسیایی در جدول شاخص‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد در دهه‌های

اخیر است. در واقع، این کشورها توانسته‌اند ضمن کاهش گسترده فقر به انباشت عظیم ثروت و نیز بنیانگذاری پایه‌های مستحکم صنعتی و تکنولوژیک اقدام کنند. موفقیت در پیشبرد سریع توسعه در میان کشورهای آسیایی باعث شده است تا این منطقه اولاً به یکی از پویاترین مناطق در اقتصاد جهانی تبدیل شود و ثانیاً به‌عنوان یک کانون نوظهور ثروت و قدرت در جهان تلقی شود.^(۲)

در این بین، هند در کنار چین به‌عنوان دو غول بزرگ آسیایی از رشد فزاینده اقتصادی برخوردارند. برای نمونه، طبقه متوسط در هند که بیش از ۳۰۰ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند، از قدرت خریدی حدود سه هزار دلار در ماه برخوردارند. براساس پیش‌بینی‌های بانک جهانی، هند بعد از آمریکا و چین تا سال ۲۰۲۵، به سومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل خواهد شد. براساس چنین توانایی عظیمی است که سیاست‌ها و اقدامات قدرت‌های بزرگ اکنون متوجه قاره آسیاست.^(۳)

ظهور دولت‌های توسعه‌گرا در هند تغییرات اساسی را در سیاست خارجی هند موجب شده است. در واقع با ظهور این دولت‌ها نگرش از سیاست خارجی مبتنی بر ایدئولوژیک به سیاست خارجی مبتنی بر تولید ثروت و به تبع آن افزایش قدرت تغییر یافته است.

سؤال اصلی این مقاله عبارت است از: جهت‌گیری‌های نوین در سیاست خارجی هند متأثر از چه عواملی است؟ مفروض می‌گیریم که: سیاست خارجی توسعه محور هند جایگاه این کشور در معادلات جهانی و منطقه‌ای را بهبود بخشیده است. مقاله به دنبال اثبات این فرضیه است:

تعریف نخبگان از هویت یک کشور نقش مهمی در جهت‌گیری سیاست خارجی آن خواهد داشت.

الف) چارچوب نظری

در بررسی نظری تغییرات در سیاست خارجی هند دو دسته دلایل را می‌توانیم مورد توجه قرار دهیم:

۱. دلایل درونی در هند

۲. دلایل مربوط به نظام بین‌الملل

به اعتقاد ما در بررسی دلایل تغییر در سیاست خارجی هند توجه به عناصر غیرمادی و بینادهنی نیز ضروری است. منظور از عناصر غیرمادی، باور و تعریف نخبگان حاکم در هند از خود و نظام بین‌الملل است. این که نخبگان حاکم در هند چگونه

می‌اندیشند، تعریف آن‌ها از امنیت در نظام بین‌الملل چیست، چگونه و چه هویتی برای هند تعریف می‌کنند، در بررسی تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی هند مهم است. از این منظر نظریه سازه‌نگاری را پیشنهاد می‌کنیم چرا که نظریه سازه‌نگاری در مباحث محتوایی روابط بین‌الملل در میانه نظریات جریان اصلی یعنی واقع‌گرایی، لیبرالیسم که بر عناصر مادی و نظریات انتقادی که صرفاً بر عناصر غیرمادی تکیه می‌کنند، قرار دارد. در نظریه سازه‌نگاری ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای مادی در سیاست بین‌الملل حائز اهمیت هستند. بنابراین نظام عقیدتی - ارزشی همان تأثیراتی را دارند که ساختارهای مادی دارند چرا که اولاً این ساختارهای ذهنی بر رفتار کشورها تأثیر گذاشته و منابع مادی را تعریف می‌کنند. به‌زعم سازه‌نگاران قدرت در واقع توان تأثیرگذاری بر ذهن و روان افراد است و ذهنیت افراد قدرت را تعریف می‌کند و نگرش‌های ذهنی هر کشور بر شکل‌گیری قدرت ملی و منافع آن کشور مؤثر است ثانیاً ساختارهای هنجاری، هویت و منافع کشورها را شکل می‌دهند و منافع یک کشور براساس تعریف هویتی آن معنی می‌یابد.^(۴)

استفاده از نظریه سازه‌نگاری در این مقاله با تکیه بر عنصر هویت به‌عنوان کانون و مرکز توجه این نظریه است. مفهوم هویت از روانشناسی اجتماعی گرفته شده و به تصویری از خود و دیگری، که در طول زمان از طریق خود یا دیگر بازیگران اصلاح و تغییر می‌یابد، ارجاع داده می‌شود. بنابراین هویت به معنی خودفهمی است و مفهوم رابطه‌ای است که روابط میان بازیگران و تصور دیگران از یک بازیگر است. از این‌رو تصورات جمعی و فردی بازیگران از خودشان و دیگران بستگی به تعریف از خودشان دارد که از فهم‌های مشترک، انتظارات و دانش اجتماعی تجسم یافته در نهادهای بین‌المللی و داخلی ناشی می‌شود.^(۵)

هویت بازیگران نظام بین‌الملل یکی از مسائل مهم هستی‌شناختی سازه‌نگاران است و به تعبیری در کانون رهیافت سازه‌نگاری قرار دارد. هویت عبارتست از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به‌طور همزمان به‌گزینه‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل‌اند که به آن‌ها شکل می‌دهند. هویت‌ها را نمی‌توان به شکل ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آن‌ها تعریف کرد. آن‌ها ذاتاً اموری رابطه‌ای‌اند و باید به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک بازیگر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران یعنی به‌عنوان یک موضوع اجتماعی به خود نسبت می‌دهد. هویت‌های اجتماعی برداشت‌های خاصی از خود را در رابطه با سایر بازیگران نشان می‌دهند از این طریق منافع خاصی تولید می‌کنند و به تصمیمات

سیاست‌گذاری شکل می‌دهند. این که خود، خود را دوست، رقیب یا دشمن دیگری بداند تفاوت زیادی در تعامل میان آن‌ها ایجاد خواهد کرد. گام اول در محاسبه سازه‌انگاری از سیاست خارجی مشخصات هویت دولت می‌باشد. هویت مفهوم واسط میان محیط و کارگزار می‌باشد. کارگزاران سیاست‌ها را به منظور پیشرفت منافع کشور وضع می‌کنند. این منافع براساس هویت و هنجارهای شکل دهنده هویت‌شان است.^(۶)

برخی از اندیشمندان سازه‌انگاری هویت را به‌عنوان طرح‌های معرفتی و ذهنی می‌دانند. دید شخص نسبت به جهان و این که او جهان را چگونه می‌بیند، عضویتش در یک دولت خاص، موفقیت کشورش در جهان و جامعه بین‌المللی محصولی از هویت وی است. از این منظر دید شخص و هویت وی دو عنصر جدایی‌ناپذیرند زیرا هنجارهایی که جهان‌بینی شخص را می‌سازند هویتش را نیز شکل داده‌اند. دولت‌ها مثل دیگر گروه‌های اجتماعی هویت‌شان دارای دو بُعد داخلی و خارجی است. بُعد داخلی آن هویت ملی است. هویت ملی مجموعه‌ای از هنجارهای مشترک و روایت‌هاست که تحت عنوان داشته‌های ما در طول زمان حفظ می‌شوند. اما جنبه بیرونی آن هویت دولت نام دارد که به جایگاه یک کشور در متن بین‌المللی ارجاع داده می‌شود. این متن‌ها اساساً در بردارنده تجربه‌های تاریخی نهادهای بین‌المللی و روابط با سایر دولت‌هاست. برای مثال برای شناخت هویت ملی آلمان توجه به روابط ویژه با دول (فرانسه، روسیه و آمریکا)، عضویت در نهادها (سازمان ملل و ناتو) و تجربه تاریخی (جنگ جهانی و جنگ سرد) اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بر این اساس، منابع شکل‌دهنده هویت یک دولت متفاوتند. یک دولت ممکن است در یک زمان هویت چندگانه‌ای داشته باشد زیرا حوزه تعامل یک کارگزار با دولت‌ها متعدد است و در بیش از یک نهاد بین‌المللی مشارکت دارند و ممکن است تجربه‌های تاریخی متفاوتی داشته باشند. در طول جنگ سرد کشور آلمان هم در فرایند همگرایی اروپا مشارکت داشت و هم عضو ناتو بود بنابراین هویت چندگانه‌ای داشت. به اعتقاد سازه‌انگاران آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند وابسته به این است که هویت‌ها و منافع آن‌ها چیست و هویت‌ها و منافع نیز تغییر می‌کند. این تغییر هویت هم به دولت‌ها و هم به هویت نظام بین‌الملل مربوط می‌شود در نتیجه آنچه اهمیت می‌یابد این است که هویت‌ها و منافع چگونه ساخته می‌شوند^(۷)

حال ببینیم این تغییر هویت‌ها چگونه تحولات سیاست خارجی هند را شکل داده است. ما این تغییر هویت را در دو سطح: درونی یعنی سطح مربوط به تغییرات در نخبگان حاکم بر هند و تغییرات سیستمیک یا نظام بین‌المللی بررسی می‌کنیم. در

سطح اول ابتدا تحولات سیاست خارجی هند را با توجه به تغییرات نخبگان حاکم بر هند و تفکرات آن‌ها مرور می‌نماییم.

۱. دلایل درونی در هند (ظهور نخبگان جدید و تغییر جهان بینی)

دلایل مربوط به هند را از منظر تحولات و تغییرات در سیاست خارجی آن کشور بررسی می‌کنیم. تحولات مربوط به سیاست خارجی هند را می‌توان به سه مقطع تقسیم کرد:^(۸)

یک مقطع طولانی که از استقلال هند در سال ۱۹۴۷ شروع می‌شود تا سال ۱۹۹۰ که مصادف با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است ادامه پیدا می‌کند. سیاستی که در این دوره به‌عنوان جهت‌گیری سیاست خارجی هند مطرح شد به نهروئیسم معروف است. در این دوره شاخص اصلی سیاست خارجی هند شامل عدم اتحاد با قدرت‌های بزرگ و ائتلاف با کشورهای جهان سوم بود. در این دوره هند تلاش می‌کرد به‌عنوان میانجی‌گر میان قدرت‌های بزرگ و تقویت نهادهای بین‌المللی، در جهت منافع هند موضع‌گیری کند به عبارت دیگر یک رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی هند حاکم بود. در واقع برآیند نهروئیسم در سیاست خارجی هند در جنبش عدم‌تعهد مشهود است. در این دوره که حزب کنگره در هند حاکم بود خط مشی هند در چارچوب تفکرات نهرو تعبیر و تفسیر می‌شد. جهان‌بینی نهرو در این دوره شاخص اصلی جهت‌گیری سیاست خارجی هند بود.

دومین نگرشی که بر سیاست خارجی هند حاکم شد تفکر لیبرالیسم بود. این نگرش طی یک دهه از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۱ میلادی وارد سیاست خارجی هند شد. در این دوران اصلاحات اقتصادی در هند شروع می‌شود و جریان‌های قدرت در هند در حال متحول شدن هستند. به عبارت دیگر در این دوره قدرت از انحصار حزب کنگره خارج می‌شود و بر پایه خط‌مشی نئولیبرالیسم که اقتصادمحور است قرار می‌گیرد. اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ، کسب تکنولوژی‌های برتر جزو جریان‌های اصلی سیاست لیبرالیسم هند محسوب می‌شود. آن‌ها از طریق سیاست درهای باز سعی می‌کنند تا اختلافات سیاسی با کشورهای همسایه خود را حل کنند و برای حل این اختلافات سیاسی، حرکت در زمینه‌های همگرایی اقتصادی را یک بستر مناسب می‌دانند به همین دلیل در مجموع هندی‌ها تلاش می‌کنند در سطوح کلان خود را با پدیده جهانی شدن همراه کنند. این سیاست برگرفته از سیاست نئولیبرال مبتنی بر اتحاد و ائتلاف در سیاست خارجی است که شامل بخش‌های اقتصادی نیز می‌شود.

تحول بعدی از سال ۲۰۰۱ و به‌خصوص در زمانی که حزب راست‌گرای «بهاریتا‌جاناتا» قدرت را در دست می‌گیرد در سیاست خارجی هند نمایان می‌شود. در این دوره سیاست خارجی هند تحت عنوان نئولیبرالیسم مطرح می‌شود. جهت‌گیری اصلی این سیاست خارجی امنیت‌محور و توجه به قدرت نظامی هند است و سعی می‌کند با قدرت‌های بزرگ وارد تعامل شود تا حدی که در مدیریت امور جهان نقش بیشتری ایفا کند در چنین شرایطی هند که به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شده است از طریق تلاش برای عضویت در شورای امنیت تبدیل به یک قدرت سیاسی شده و در کنار تأثیر جریان نئولیبرال بر قدرت اقتصادی هند، این کشور را به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل کند. بسیاری معمار تغییرات اقتصادی در هند را مان موهان‌سینگ نخست‌وزیر فعلی هند و گروه وی می‌دانند. سینگ تحصیل‌کرده دانشگاه‌های کمبریج و آکسفورد انگلیس در رشته اقتصاد با تفکر مبتنی بر اقتصاد بازار و آزاد است. وی در سال ۱۹۹۱ وزیر دارایی هند بود. او و همفکرانش اقتصاد هند را براساس اندوخته‌های علمی و تفکرات نوین خود برنامه‌ریزی و پیاده کرد. موفقیت‌های سینگ در سیاست‌های اقتصادی باعث شد تا وی در ۲۲ می ۲۰۰۴ نخست‌وزیر هند شود و تاکنون این پست را حفظ کند. رویکردهای جدید اقتصادی در هند سبب ورود دیپلماسی آن کشور به حوزه‌هایی شد که تا پیش از آن برایش ناشناخته بود. علاوه بر این نیاز توسعه اقتصادی هند به منابع مالی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی سیاست خارجی آن کشور را در خدمت توسعه اقتصادی هند قرار داد. به‌عبارتی سیاست خارجی هند متصل به تولید ثروت برای آن کشور و جاده صاف‌کن توسعه اقتصادی آن شد.

آقای پرناب موکرگی وزیر خارجه سابق هند در مقاله‌ای با عنوان سیاست خارجی هند - نقشه مسیر برای دهه آتی در روزنامه *نشنال هرالد* هند نوشت: «فکر می‌کنم سیاست خارجی هند در رنسانس اقتصاد هندی نقش مهمی ایفا خواهد کرد. در حال حاضر برای پیشبرد منافع اقتصادی خود تعدادی اهرم‌های سیاست خارجی همچون فعالیت‌های سنتی بازرگانی، مذاکره راجع به مناطق ترجیحی و تجارت آزاد و همچنین مشارکت در محافل چندجانبه وجود دارد. باید مجموعه این اهرم‌ها را افزایش دهیم و ذهن خود را مجدداً تنظیم کنیم تا رویکرد ما به مناسبات دوجانبه اساساً متناسب با سهم این ارتباط در بهبودی اقتصادی باشد». وی اضافه می‌کند که: «وظیفه اصلی سیاست خارجی هند همچون همیشه کمک به پروسه توسعه کشور و استفاده حداکثر از مشارکت بین‌المللی برای این منظور است». وی همچنین سیاست خارجی هند را محصول نیاز کنونی کشورش می‌داند.^(۹)

آنچه می‌توان از مرور اجمالی تحولات سیاست خارجی هند نتیجه گرفت این است که سیاست خارجی این کشور از حالت ایدئولوژیک خارج شده و نوعی جهت‌گیری پراگماتیسم (عمل‌گرایی) را دنبال می‌کند. در جستجوی دلایل درونی این جهت‌گیری باید گفت که جهان‌بینی نخبگان حاکم هند و طرز تلقی آن‌ها از خود و دیگری تأثیر اصلی را در جهت‌گیری سیاست خارجی هند داشته است. چهل سال جهان‌بینی ایدئولوژیک متأثر از دوران مبارزه با استعمار منجر به آن شد که این کشور سیاست عدم‌تعهد به قدرت‌های بزرگ و ائتلاف و اتحاد با جهان سوم را تعقیب کند. جهان‌بینی نخبگان حاکم بر هند از دهه ۹۰ به بعد که تحت‌تأثیر رفاه اقتصادی و تولید ثروت بود جهت‌گیری متفاوتی را برای سیاست خارجی آن کشور رقم زده است. به عبارت دیگر، تعریف نخبگان هندی از هویت هند و منافع آن متفاوت شده است. مشخصات اصلی این دوره جدید عبارتند از:

- رئالیسم در برابر ایدئالیسم و اتخاذ مشی عمل‌گرایانه
- جایگزینی ذهنیت ضدغربی به تعامل با غرب

۲. دلایل مربوط به نظام بین‌الملل

در این بخش می‌دهیم که تغییرات در نظام بین‌الملل چگونه سیاست خارجی هند را متأثر کرده است. به عبارتی چگونه تغییر هویت نظام بین‌الملل هویت سیاست خارجی هند را تغییر داده است. مشخص است که هویت نظام بین‌الملل از دهه ۱۹۹۰ به بعد عوض شده است. این هویت جدید چیست؟ می‌توان تغییرات کلان در نظام بین‌الملل بعد از دهه ۱۹۹۰ را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. **فروپاشی نظام دو قطبی:** تغییر نظام دو قطبی در نتیجه فروپاشی شوروی مشخصه بارز تغییر هویت در نظام بین‌الملل پس از دهه ۹۰ بوده است. فروپاشی شوروی و دگرگونی نظام بین‌الملل اثرات بنیادی بر هر یک از اعضای دو اردوگاه گذاشت و وضعیت کشورهای متکی به هر یک از دو قطب را تغییر داد. این امر باعث شد تا تکیه‌گاه سنتی هند در جهان از بین برود و هند را مجبور به تغییر در سیاست خارجی خود نماید.

۲. **فروپاشی اقتصاد سوسیالیستی و الزامات اقتصادی هند:** یکی از پیامدهای مهم پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی ناکارآمدی تفکر اقتصادی سوسیالیستی بود. این موضوع باعث شد تا در دوران پس از جنگ سرد، اقتصاد لیبرالی و مبتنی بر بازار آزاد، بی‌رقیب گردد. در این راستا، اغلب کشورهایی که سابق بر این در بلوک شرق قرار داشتند اقتصاد لیبرالی را محور توسعه اقتصادی و اجتماعی خود قرار دادند. این کشورها

تلاش کردند به تطبیق اقتصادهای خود با اصول بازار آزاد پرداخته و با هدف شکوفایی اقتصادی، کسب سهم بیشتر از بازارهای جهانی و تولید ثروت، اقتصاد را به محور سیاست خارجی خود تبدیل کردند. هند از زمره این کشورهاست که در این راه با تکیه بر نظام سیاسی نسبتاً باز خود و نیروی انسانی کارآمد، توانسته از رشد جهشی نیز برخوردار گردد به گونه‌ای که پس از یک دهه، به یکی از اقتصادهای بزرگ و دارای رشد سریع در سطح جهان تبدیل شده است. هند که عمدتاً طی دوران استقلالش، رویکردی سوسیالیستی نسبت به اقتصاد در پیش داشت و بر مشارکت بخش خصوصی، بازرگانی خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نظارت‌های دولتی سخت‌گیرانه‌ای را اعمال می‌کرد، در اوایل دهه نود با درپیش‌گرفتن رویکرد اصلاحات اقتصادی و کاهش کنترل دولت بر تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی، به تدریج بازار خود را باز کرد.

اگرچه خصوصی‌سازی صنایع دولتی و آزادکردن برخی بخش‌ها به نفع منافع بخش خصوصی و خارجی، در میان بحث و جدل‌های سیاسی به کندی پیش رفته‌است اما این کشور با درک صحیح از شرایط نوین جهانی و عوامل باز دارنده رشد اقتصادی خود در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی همچون چین در پی اتخاذ سیاست‌های نوین و کارآمد در این زمینه برآمد. در واقع، هند با کنار نهادن رویکردهای سوسیالیستی، فشار ناشی از رقابت با اقتصادهای در حال ظهور را به منظور کسب بازارهای مختلف و مطمئن حس کرد. اگرچه تضعیف جهانی اقتصاد دولت‌محور نقش عمده در تغییر رویکردهای اقتصادی در هند داشت اما نمی‌توان نقش نخبگان با طرز فکر جدید و دیدگاه‌هایی متفاوت از تفکرات سنتی دولت‌محور را نادیده گرفت.

۳. افزایش سریع قدرت چین: پس از گذشت بیش از ۲۵ سال از آغاز اصلاحات در چین و توسعه پر شتاب این کشور، ابهامات مختلفی پیرامون نقش و جایگاه آن در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای همچنان مطرح می‌باشد. ابهاماتی که در وضعیت کنونی بیشتر در حوزه اقتصاد نمود دارد، اما در آینده به سایر حوزه‌ها و به‌خصوص حوزه‌های استراتژیک سرایت خواهد کرد. رشد چین در دو دهه اخیر به‌طور پیوسته موجب بازتعریف موقعیت آن در سطوح منطقه‌ای و جهانی شده است. بازتعریفی که نگرانی بازیگران مختلف و به‌خصوص قدرت‌های بزرگ خصوصاً هند و آمریکا را فراهم آورده و به‌عنوان یکی از عوامل اصلی نزدیکی بیش از پیش دهلی‌نو - واشنگتن عمل کرده است. این دو قدرت با نزدیکی به یکدیگر می‌کوشند تا مانع بر هم زدن توازن قوا در آسیا توسط چین گردند. گرچه این نزدیکی تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی به اتحاد منجر نخواهد شد، زیرا که هند در کوتاه مدت از ناحیه چین احساس خطر جدی نمی‌کند. هند معتقد است مدرنیته‌سازی نظامی چین در وضعیت کنونی، معطوف به تنگه تایوان،

به‌عنوان معضل اساسی امنیتی، سرزمینی و حیثیتی آن می‌باشد، اما در درازمدت و به‌عنوان رقیب استراتژیک چین، منطقی است که برای مهار آن از هم‌اکنون به چاره‌جویی بیندیشد، ضمن آن که وضعیت شبه اتحاد چین - پاکستان، درگیری عمیق چین در امور میانمار و ایجاد فرودگاه نظامی توسط آن کشور در تبت را نیز زیر نظر دارد. در مجموع، ظهور چین قدرتمند نیز یکی از زمینه‌های مهم تغییرات در سیاست خارجی هند است که نتیجه این تغییر را باید در گسترش و تعمیق روابط هند - آمریکا برای مهار قدرت نوظهور چین دید.^(۱۰)

۴. ظهور تروریسم جدید: حادثه ۱۱ سپتامبر جهان را معطوف تهدیدات جدید تروریسم کرد و تعریف جدیدی از تروریسم در نظام بین‌الملل ارائه شد. در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا تروریسم را به‌عنوان مهم‌ترین تهدید علیه امنیت ملی خود قلمداد و آن را از سه زاویه سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم بین‌المللی و بنیادگرایی دینی تعریف کرد. همگی این تهدیدات در همسایگی هند قابل رؤیت هستند. این عوامل باعث شد تا اولویت‌های امنیت ملی دو کشور به شدت به یکدیگر نزدیک گردند. به علاوه، این حادثه باعث شد تا «دموکراتیک‌سازی» به‌عنوان بخشی از راهبرد امنیت ملی آمریکا در منطقه تلقی شده و در این مسیر هند به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان در دنیای در حال توسعه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در این فضا، هند، با داشتن قریب به دو بیست میلیون مسلمان، افراط‌گرایی دینی و شیوع تروریسم در میان جمعیت مسلمان هندی را به‌عنوان تهدیدی جدی علیه امنیت ملی خود تلقی کند. از سوی دیگر، هند با متهم کردن جدایی‌خواهان کشمیری به «تروریسم» و مرتبط‌ساختن آن با پاکستان و تروریسم القاعده موضع راهبردی خود را در قبال آنان تقویت نموده و زمینه‌های نزدیکی بیشتر به ایالات متحده را فراهم آورده است. این رویکرد به طور طبیعی اشتراک منافع مهمی میان هند و آمریکا پدید آورد و بستر لازم را برای همکاری و تبادل فراهم کرد. در این راستا، هند و آمریکا در افغانستان در جهت آنچه تحکیم ثبات افغانستان گفته شده، در پاکستان در جهت جلوگیری از تبدیل آن به یک دولت ورشکسته، در آسیای مرکزی و در خلیج فارس، واجد منافع مشترک مهمی می‌باشند. منافعی که نزدیکی بیش از پیش دو کشور را الزام‌آور می‌سازد.^(۱۱)

ب) نقش جهت‌گیری‌های نوین در هند بر اقتصاد و روابط خارجی آن کشور

۱. رونق اقتصادی هند

کارشناسان سرآغاز پیشرفت‌های اقتصادی هند را سال ۱۹۹۱ می‌دانند. در این سال مانموهان سینگ وزیر دارایی هند، برنامه‌هایی را برای خروج کشور از اقتصاد

برنامه‌ریزی شده به تصویب رساند و به تدریج به اجرا درآورد. از آن زمان به بعد به تدریج قوانین مالیاتی دست و پا گیر لغو شدند، قوانین صادرات و واردات کشور تعدیل شدند، امکان سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آمد و امنیت سرمایه‌های داخلی تأمین شد. مان‌موهان‌سینگ اکنون نخست وزیر هند است و توسعه طرح‌هایی را که خود شروع کرده، ادامه می‌دهد. هند با رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد طی هشت سال گذشته به یک قدرت بزرگ اقتصاد جهانی تبدیل شده است. تحلیل گران اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند هند تا سال ۲۰۲۵ میلادی پس از آمریکا و چین سومین کشور صنعتی جهان باشد و درآمد سرانه کشور به ۵۰۰۰ دلار یعنی دوبرابر میزان فعلی برسد. این میزان رشد نزدیک به رشد اقتصادی کشور همسایه آن چین است. براساس آمار بانک جهانی تولید ناخالص داخلی هند از ۹۴۹/۱۹۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ به ۱۳۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ رسیده است.^(۱۲) همچنین براساس اعلام وزارت اقتصاد و دارایی هند رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۹ علی‌رغم رکود اقتصاد جهانی ۶/۷ درصد اعلام شده است.

اقتصاد هند، اقتصادی متنوع است و کشاورزی، صنایع دستی، نساجی، صنعت و گستره وسیعی از خدمات را در بر می‌گیرد. اگرچه هنوز دوسوم نیروی کار هند، درآمد خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از بخش کشاورزی به دست می‌آورند، اما نقش بخش خدمات در اقتصاد هند اهمیت روز افزونی به خود گرفته است. آغاز عصر دیجیتال و خیل فراوان جمعیت تحصیلکرده و مسلط به زبان انگلیسی در هند، به تدریج اقتصاد این کشور را برای آن دسته از شرکت‌های بین‌المللی که خدمات به مشتریان و پشتیبانی فنی خود را برونسپاری می‌کنند به یک مقصد مهم تبدیل کرده است. هند هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان نیروی کار متخصص در زمینه‌های خدمات مالی و نرم‌افزاری و مهندسی نرم‌افزار است. در وضعیت فعلی یکی از اولویت‌های اساسی سیاست خارجی هند، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جستجو برای بازار در سراسر نقاط دنیاست.^(۱۳)

ناگفته نماند که هنوز در هند میلیون‌ها تن در فقر شدید زندگی می‌کنند و مشکلات زیربنایی همچنان ادامه دارد. هنوز بیش از ۳۷ درصد جمعیت هند زیر خط فقر زندگی می‌کنند که از این میزان ۲۲ درصد جمعیت روستایی و ۱۵ درصد شهری هستند. با این وجود پیشرفت‌های اقتصادی این کشور در چند سال اخیر چشمگیر بوده و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند در سال‌های آینده هند به یکی از اقتصادهای بزرگ دنیا تبدیل شود.^(۱۴)

اگر روزی نام هند فقر و تنگدستی را به یاد می‌آورد، اکنون پیشرفت‌های اقتصادی و رنسانس علمی این کشور توجه همگان را به خود جلب کرده است. مدت‌هاست که سرمایه‌گذاری‌های عظیم خارجی در این کشور امری عادی به‌شمار می‌آید و فروش کالاهای هندی در بازارهای جهان به شدت افزایش یافته‌است.

۲. توسعه روابط خارجی هند

منظور از توسعه روابط خارجی هند بررسی موردی در روابط خارجی هند است که نشان‌دهنده تغییرات صورت‌گرفته در روابط خارجی آن کشور در جهت‌گیری جدید سیاست خارجی آن کشور است. از این منظر پنج کشور به‌عنوان شاخص این تغییرات مدنظر قرار گرفته است. این کشورها عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران.

یکم: روابط هند و ایالات متحده آمریکا^(۱۵)

روابط هند و آمریکا از زمان استقلال هند در ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی خاصی برخوردار نبود. در این دوره روابط هند و ایالات متحده تحت‌تأثیر فضای ایدئولوژیک در نظام بین‌الملل و مبارزات ضداستعماری بود. در این دوران هند در ابتدا با در پیش گرفتن سیاست عدم تعهد و در مراحل بعد با نزدیکی به شوروی، عملاً فرصتی برای نزدیک شدن به آمریکا نیافت. در این دوره این دو کشور به لحاظ محاسبات استراتژیک نگاه‌های متفاوتی به جهان داشتند و به‌علاوه استراتژی اقتصادی آن‌ها نیز از یکدیگر متفاوت بود، از این‌رو، آن‌ها طبیعتاً فاقد اشتراک منافع لازم جهت ایجاد پیوندهای جدی با یکدیگر بودند. فروپاشی شوروی و دگرگونی نظام بین‌الملل این وضعیت را تغییر داد. از آن زمان به بعد، دو کشور در محاسبات استراتژیک یکدیگر نقش روزافزونی پیدا کردند، اگرچه نقش آمریکا از قوت بیشتری برخوردار بوده است. فروپاشی شوروی باعث شد تا تکیه‌گاه سنتی هند در جهان از بین برود و هند را مجبور به تغییر در سیاست خارجی خود نماید. همزمان روی کار آمدن دولت‌های توسعه‌گرا و اقتصاد محور شدن سیاست‌های کلان هند باعث شد که هند تعریف نوینی از روابط خود را با غرب به‌ویژه ایالات متحده ارائه و براساس آن سیاست خارجی خود را تنظیم نماید. بر این اساس، روابط با ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد و به‌خصوص از اوایل هزاره جدید روند رو به رشدی را آغاز کرد. اگرچه این روابط به هنگام آزمایش‌های هسته‌ای هند موقتاً کند شد اما در اواخر دوره کلینتون سرعت گرفت و در دوران بوش به اوج

خود رسید. امضای قرار داد هسته‌ای در دوره دوم بوش روابط دو کشور را وارد همکاری‌های استراتژیک کرد.

طبیعتاً در مسیر آزادسازی تدریجی اقتصاد هند، فرصت برای وابستگی متقابل اقتصادی میان هند و آمریکا (به‌عنوان ابرقدرت اقتصادی - تکنولوژیک) فراهم آمده است. گرچه در مقایسه با چین حجم تجارت میان هند و آمریکا چندان بالا نیست، اما به سرعت در حال رشد است. در سال ۲۰۰۴، صادرات آمریکا به هند ۲۵ درصد رشد داشته است. اغلب پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند، حتی با شتاب بیشتر، به پیش خواهد رفت. زیرا فضای مناسب برای گسترش آن وجود دارد، علاوه بر این، هند دارای طبقه متوسط رو به گسترشی است که در وضعیت کنونی به اندازه کل جمعیت سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان بوده و به سرعت در حال رشد می‌باشد. از سویی، آمریکا سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در اقتصاد هند چه به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم و چه به صورت خرید اوراق بهادار انجام می‌دهد و موانعی را که فرضاً در رابطه با چین با آن مواجه است، درخصوص هند در پیش‌رو ندارد.

هند کشوری است که به سرعت به سمت افزایش قدرت اقتصادی خود پیش می‌رود و ظرفیت آن را دارد که به رده‌های بالاتر اقتصاد جهانی دست یابد، امری که آمریکا آن را به خوبی درک می‌کند. به علاوه، اقتصاد هند حرکت پرشتابی را به سمت اقتصاد نرم و دانش محور آغاز کرده است که این زمینه همکاری‌ها با آمریکا را گسترش می‌دهد. صدور نرم‌افزار از هند طی سال‌های اخیر پنجاه درصد افزایش یافته است که دو سوم صادرات هند به آمریکا را تشکیل می‌دهد. شاهد این مدعا صادرات ۱۲/۵ میلیارد دلاری صنعت نرم‌افزار هند در سال ۲۰۰۴ است. به‌علاوه ۳۰٪ از متخصصان منطقه «سیلیکن ولی» به‌مثابه مرکز فناوری اطلاعات (IT) آمریکا، هندی هستند و در حدود هفتاد شرکت این مجموعه، مالکیتی هندی - آمریکایی دارند. همچنین هند با رشد ۵/۵ درصد مصرف سالانه انرژی همچون آمریکا مایل به تضمین منابع انرژی مورد نیاز خود و حمل و نقل امن آن می‌باشد. در مجموع، آمریکا و هند در جهت پیشبرد منافع ملی خود در سطوح مختلف، نیازمند رشد اقتصادی هستند و از طرفی اقتصادهای آن‌ها می‌تواند به صورت مکمل یکدیگر عمل نماید. بنابراین، الزامات اقتصادی، گسترش روابط و مشارکت استراتژیک دو کشور را تسهیل می‌کند.^(۱۶)

هند هم‌اکنون مقصد جذابی برای سرمایه‌های خارجی است. براساس گزارش سال ۲۰۱۰ دبیرکل آنکتاد کشورهای عضو گروه بریک (برزیل، روسیه، هند و چین) مقاصد جذابی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. شرکت‌های آمریکایی سهم عمده‌ای در سرمایه‌گذاری در هند دارند به‌گونه‌ای که پانصد شرکت بزرگ آمریکایی در

هند شعبه‌هایی دایر کرده‌اند. شرکت‌های بزرگی نظیر AT&T، Morgan Strangely، Coca Kola، Pepsi، Reebok در هند شعباتی دایر کرده‌اند. ایالات متحده آمریکا به‌طور میانگین با ۱۷/۰۸ درصد دومین کشور سرمایه‌گذار در هند در سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۰۱، ۷۱ میلیارد دلار بوده که ۱۵ میلیارد دلار آن (۲۰ درصد) متعلق به آمریکاست. از ۵۳۸ مؤسسه سرمایه‌گذار در هند ۲۲۰ مؤسسه آمریکایی است براساس گزارش سال ۲۰۱۰ آنکتاد درخصوص سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در جهان هند در سال ۲۰۰۸، ۴۰ و در سال ۲۰۰۹، ۳۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده که سهم شرکت‌های آمریکایی در این سرمایه‌گذاری چشمگیر بوده است. روابط بازرگانی دو کشور نیز جهشی ۲۲۱ درصدی را نشان می‌دهد و آمریکا به نخستین شریک تجاری هند تبدیل شده است. براساس آمار وزارت بازرگانی هند حجم مبادلات خارجی این کشور با ۵۰ کشور جهان از اول آوریل ۲۰۰۹ تا پایان مارس ۲۰۱۰ میلادی بیش از ۴۵۱ میلیارد دلار است که حجم مبادلات با آمریکا بیش از ۳۹ میلیارد دلار بوده است. کشورهایی همچون امارات متحده عربی و چین در رده‌های اول و دوم و ایران با بیش از ۱۴ میلیارد دلار در رده هفتم شرکای تجاری هند قرار دارند.^(۱۷)

شاید بتوان مهم‌ترین اتفاق روابط هند و ایالات متحده در دوره جدید را موافقت‌نامه هسته‌ای غیرنظامی هند - آمریکا نام برد. این موافقت‌نامه در ۲۷ ژوئن سال ۲۰۰۶ بین مان موهان‌سینگ و جرج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا به امضا رسید. بر این اساس آمریکا امکان دستیابی هند به فناوری هسته‌ای غیرنظامی و سوخت هسته‌ای در ازای بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از نیروگاه‌های هسته‌ای هند را فراهم می‌کند. براساس این موافقت‌نامه ۱۴ مورد از تأسیسات هسته‌ای هند در اختیار بازرسان بین‌المللی قرار خواهد گرفت و ۸ نیروگاه نیز برای اجرای برنامه‌های نظامی هند اختصاص خواهد یافت. بنا بر نظر شرکت انرژی اتمی هند با اجرایی شدن این توافق‌نامه، هند می‌تواند در سال ۲۰۲۰ میلادی به تولید ۲۵،۰۰۰ مگاوات برق از طریق انرژی اتمی دست یابد.^(۱۸) امضای این موافقت‌نامه در حالی صورت گرفت که کشور هند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) را امضا نکرده است و همچنان معتقد است که این معاهده به صورت تبعیض‌آمیزی کشورهای جهان را به دو گروه «دارای سلاح هسته‌ای» و «بدون سلاح هسته‌ای» تقسیم می‌کند زیرا معاهده تنها به کشورهایی که پیش از سال ۱۹۶۷ آزمایش هسته‌ای انجام دادند اجازه حفظ امکانات هسته‌ای خود را داده است.

دولت جرج بوش معتقد بود که تغییر مصرف انرژی در هند از مصرف سوخت‌های فسیلی به سوخت هسته‌ای باعث اطمینان از تأمین سوخت فسیلی برای آمریکا می‌شود. هدف دیگر دولت آمریکا از این توافق‌نامه به‌دست آوردن سهم مهمی در بازار ۱۵۰ میلیارد دلاری انرژی اتمی در دهه آینده هند با توجه به رشد بالای اقتصادی این کشور می‌باشد.^(۱۹) در حالی که هند با دارا بودن بیش از ۲۵٪ از ذخایر اورانیوم جهان از این لحاظ خود کفا می‌باشد^(۲۰) ولی در صد ناچیزی (۱٪) از ذخایر اورانیوم جهان را داراست.^(۲۱) در نتیجه دولت هند با این توافق‌نامه می‌تواند مواد مورد نیاز خود را به‌وسیله آمریکا به‌دست آورد. ناگفته نماند که توسعه روابط خارجی هند و آمریکا به معنی عدم مشکل در روابط دو کشور نیست. هند و آمریکا برای گسترش و تعمیق روابط خود با محدودیت‌هایی نیز مواجه هستند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حوزه سلاح‌های هسته‌ای، نوع روابط با پاکستان و اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل اشاره کرد. در حوزه سلاح‌های هسته‌ای، هند معتقد است که فعالیت‌های هسته‌ای همسایه آن (پاکستان) کنترل‌ناپذیر است، بنابراین، هند باید همواره در جهت تولید و بازتولید تعادل در این عرصه به پیش رود و از این‌رو موضوع سلاح‌های هسته‌ای یکی از موضوعات روابط دو کشور به‌شمار می‌آید. اگرچه در پی امضای موافقت‌نامه هسته‌ای بین دو کشور، آمریکا هند را به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای مسئول به رسمیت شناخت و قول لغو تحریم‌های هسته‌ای را به آن کشور داد و متعهد شد تا تکنولوژی نیروگاه هسته‌ای را در اختیار هند قرار دهد اما مواضع دولت جدید آمریکا در خصوص مسائل هسته‌ای و فشار آن کشور به هند برای پیوستن به NPT می‌تواند اجرای موافقت‌نامه یادشده را با ابهام مواجه سازد. اما باید دید که آیا آمریکا خواهد توانست از بازار ۱۵۰ میلیارد دلاری هسته‌ای و نیازمندی‌های گسترده هند برای تجهیز و نوسازی تجهیزات نظامی آن کشور چشم‌پوشی کند؟

دوم: روابط هند و چین^(۲۲)

تغییر در روابط چین و هند چشمگیر بوده است. بهبود روابط چین و هند از دهه ۱۹۹۰ به این سو، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای سالیان متوالی، متفکران امنیتی در هند، از چین به‌عنوان مهم‌ترین چالش استراتژیک هند یاد می‌کردند و پیامدهای جنگ ۱۹۶۲ با چین نیز بر این تفکرات سایه انداخته بود. دیدگاه سیاست‌گذاران چینی نیز در قبال هند، ترکیبی از بی‌اعتمادی و بدبینی بود و بر همین مبنا، هنگامی که هند آزمایش‌های هسته‌ای خود در سال ۱۹۹۸ را برمبنای تهدید چین

توجیه کرد، این کشور به شدت برآشفته شد.^(۲۳) سیاست دهلی‌نو از اواخر دهه ۱۹۸۰ که مبتنی بر تعامل فعال با چین بوده است، تنش را به‌عنوان ویژگی اصلی روابط دو کشور طی دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی، به فراموشی سپرده است. تجارت دو جانبه، در سال‌های اخیر رشد چشمگیری یافته است، این روابط از کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار در اوایل دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ ارتقا یافته و اینک چین دومین شریک تجاری هند است. پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های آینده شریک اول تجاری هند شود. شرکت‌های نرم‌افزاری و خدماتی هند مانند، شرکت خدمات مشاوره‌ای تاتا (TATA) با ایجاد مراکزی در چین نه تنها در پی ارائه خدمات خود می‌باشند، بلکه در پی آنند تا با مشارکت چینی‌ها، شرکت‌های چند ملیتی تأسیس کنند. از منظر شرکت‌های چینی، طبقه متوسط بسیار گسترده هند، بازار بسیار جذابی برای چین فراهم می‌آورد. نکته جالب‌تر آنکه بزرگ‌ترین شرکت‌های فنی هند، فعالانه در پی سرمایه‌گذاری مشترک با طرف‌های چینی خود می‌باشند.

از سوی دیگر، پیشرفت‌های چشمگیری نیز در حوزه روابط سیاسی دوجانبه اتفاق افتاده است. مرز مشترک ۳۵۰۰ کیلومتری هند و چین که باعث بروز جنگ بین این دو کشور در سال ۱۹۶۲ شد، اکنون آرام است. گفتگوهای مرزی بین دو کشور به نتیجه خاصی منجر نشده است، اما به تدریج روندی جدی به خود می‌گیرد. طی دیدار نخست‌وزیر چین، ون جیابائو از هند در آوریل ۲۰۰۵، دو کشور سطح روابط خود را به مشارکت استراتژیک ارتقا دادند. این در حالی است که در سال ۱۹۹۸، دهلی‌نو نگرانی از چین را عامل اصلی آزمایش‌های هسته‌ای خود اعلام کرده بود. به‌علاوه، چین حاکمیت هند بر «سیکیم» به‌عنوان بخشی از سرزمین هیمالیا را پذیرفت و همچنین دو کشور سیستم خاصی را برای تجارت در نواحی مرزی مورد اختلاف خود ایجاد کرده‌اند. همه این اقدامات، در واقع پیامد بهبود روابط دوجانبه طی دو دهه اخیر می‌باشد.^(۲۴)

علاوه بر این، هند در تلاش است تا چین را به اتخاذ سیاست بی‌طرفی در قبال اختلافات خود با پاکستان و همچنین همسایگان کوچک‌ترش ترغیب کند. در گذشته، چین با اتخاذ سیاست سکوت در مسائل امنیتی منطقه و اعلام عدم دخالت در امور سایر کشورهایی که هم‌سو با منافع بلندمدت و استراتژیک چین هستند، عملاً به همسایگان شبه‌قاره‌ای هند اجازه می‌داد که در مقابل خواست دهلی‌نو مبنی بر حل اختلافات از اهرم فشار چین استفاده کنند. اما امروزه گویا چین با در پیش گرفتن سیاست توسعه محور از جانب‌داری از طرف‌های مورد اختلاف هند اجتناب می‌کند.

البته این امر، به معنای پایان رقابت سنتی هند و چین نیست و هنوز این رقابت در هند بیش از چین جایگاه دارد. با وجود این که روابط هند و چین طی دهه گذشته به پیشرفت‌های خوبی نایل شده موانع در مسیر توسعه بیشتر همچنان باقی است. منازعات ارضی لاینحل، سوءظن‌های متقابل، رقابت فزاینده در زمینه‌های انرژی، نفوذ منطقه‌ای و آرایش جدید روابط ابرقدرتی و اختلاف در مورد آب چنان‌چه به خوبی اداره نگردند می‌توانند فرصت همکاری این دو غول در حال پیشرفت آسیایی و تحقق ظرفیت‌های آن‌ها را به‌عنوان موتورهای رشد و ستون‌های ثبات در آسیا و فراتر از آن‌ها را بگیرند. از این‌رو وسعت، قرابت جغرافیایی و رشد سریع و تلاش در جهت رسیدن به استانداردهای قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی، مطمئناً رقابت را به ویژگی روابط دو کشور تبدیل خواهد کرد.^(۲۵)

سوم: روابط هند و روسیه

روسیه برخلاف اهمیتی که دوران جنگ سرد در سیاست خارجی هند داشت، امروزه اهمیت خود را تا حدودی از دست داده است. این کشور به‌عنوان مهم‌ترین حامی دیپلماتیک هند، شریک تجاری بزرگ و فراهم‌کننده اصلی تسلیحات نظامی هند به مدت چهار دهه بوده است. پس از فروپاشی شوروی، هند روابط خود با روسیه را تداوم بخشید؛ دو کشور مسائل باقی‌مانده در ارتباط با ترتیبات تجاری قدیمی داد و ستد کالا مبتنی بر «روبل - روپیه» را به صورت ۵۰، ۵۰ حل کردند. همچنین توافق‌نامه صلح و دوستی ۱۹۷۱ را اصلاح و مشارکت نظامی فیما بین را حفظ کردند. به دلیل نیاز فزاینده هند به انرژی، روسیه می‌تواند یکی از تأمین‌کنندگان این نیاز برای دهه آتی باشد. از سوی دیگر روسیه همچنان به‌عنوان عرضه‌کننده بزرگ تسلیحات به هند برای آن کشور حائز اهمیت است اما به تدریج با افزایش سرمایه‌گذاری‌های آمریکا و اروپا سهم روسیه در هند کاهش یافته است. روسیه اکنون با ۵ میلیارد دلار شریک بیست‌وپنجم تجارت خارجی هند می‌باشد. روابط امنیتی دوجانبه روسیه و چین و خطر ناشی از تقویت توان و ظرفیت نظامی چین توسط روسیه به‌عنوان چالش سیاست خارجی دهلی نو در قبال مسکو تلقی می‌شود. از این‌رو هند برای تعدیل روابط پکن - مسکو و ایجاد تعادل در منطقه با گسترش روابط خود با غرب به این روابط پاسخ خواهد داد.^(۲۶)

چهارم: روابط هند و اسرائیل

هند و اسرائیل در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۲ روابط کامل دیپلماتیک خود را برقرار نمودند هرچند اسرائیل از سال ۱۹۵۳ دارای کنسولگری در بمبئی بوده است. اسرائیل

روابط خود با هند را (همانند دیگر کشورها) از بخش کشاورزی، دارویی و سپس نظامی شروع کرد. در جریان جنگ هند و چین در سال ۱۹۶۲ اسرائیل از موضع هند حمایت کرد و در جریان جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۶۵ خمپاره‌اندازهای سنگین به هند داد. این در حالی بود که کشورهای عربی از پاکستان حمایت می‌کردند. علاوه بر این در جریان جنگ کارگیل نیز اسرائیل سخت‌افزارهای نظامی برای هند ارسال نمود.

در موضوع کشمیر نیز اسرائیل همواره از موضع هند حمایت کرده است. دو دولت موافقت‌نامه‌هایی در رابطه با حفاظت از محیط زیست، همکاری در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان، لغو روادید گذرنامه‌های سیاسی و خدمت، همکاری‌های بهداشتی و دارویی، آموزش و فرهنگ و مهم‌تر از همه در زمینه نظامی منعقد کرده‌اند. دو طرف براساس اعلامیه مشترک نخست‌وزیران خود در سال ۲۰۰۳ و در جریان دیدار آریل شارون از دهلی‌نو توافق کردند که در زمینه مبارزه با تروریسم همکاری نمایند و براین اساس گروه‌های کاری مشترک درخصوص مبارزه با تروریسم تشکیل داده‌اند و وزرای خارجه دو طرف مذاکرات دوره‌ای دارند که تاکنون ۱۰ دور تشکیل جلسه داده‌اند.^(۲۷)

روابط هند و اسرائیل در دوران حکومت نئولیبرال‌ها در هند شتاب بیشتری به خود گرفته و وارد فاز استراتژیک شده است. حجم مبادلات دو طرف از ۱۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳، تنها در سال ۲۰۰۶ به ۲/۵ میلیارد دلار رسید که سهم عمده این مبادلات نظامی بوده است. حجم مبادلات هند و اسرائیل در حال حاضر ۳/۵ میلیارد دلار است و پیش‌بینی شده طی چهار سال آتی به ۱۴ میلیارد دلار برسد. براساس گزارش روزنامه *بیزینس/استاندارد/ساندی مورخ* ۱۲ مهر سال جاری، هند در شش ماهه اول سال ۲۰۱۰ دومین مقصد صادراتی اسرائیل و مجموع سرمایه‌گذاری شرکت‌های اسرائیلی در هند در هشت سال گذشته بالغ بر ۴ تا ۵ میلیارد دلار بوده است. اسرائیل بعد از روسیه دومین تأمین‌کننده تجهیزات نظامی هند می‌باشد.

براساس توافق به‌عمل آمده بین هند و اسرائیل در ژانویه ۲۰۰۷، دو طرف موافقت‌نامه‌ای به ارزش ۳۳۰ میلیون دلار را برای تولید مشترک نسل جدید موشک‌های زمین به هوای باراک ۲ که باراک ۸ نیز نامیده می‌شود، امضا کردند. علاوه بر این دو طرف توافق کردند که هند ۱۰۰ فروند هواپیمای بدون سرنشین^۱ هرون ایگل با قابلیت عملیاتی تا ارتفاع ۲۰ هزار پا به ارزش ۵۵۰ میلیون دلار از اسرائیل خریداری نماید. قرار است اسرائیل سیستم‌های کنترل و هشدار اولیه هوایی فالكون را در اختیار هند قرار

دهد. علاوه بر این بعد از حادثه تروریستی ۲۶ سپتامبر به بمبئی دو شرکت امنیتی خصوصی هند و اسرائیل (گروه APS هند و ARES اسرائیل) توافق کردند که در زمینه‌های آموزشی و مشاوره سرمایه‌گذاری مشترک کنند. به‌طور کلی روابط هند و اسرائیل از دو منظر قابل ارزیابی است. از منظر اسرائیل این کشور تلاش می‌کند ضمن بهره‌گیری از پتانسیل گسترده بازار هند و نیازهای آن کشور در زمینه‌های مختلف روابط اعراب و کشورهای اسلامی با پاکستان را تعدیل کند. از منظر هند نیز اسرائیل تسهیل‌کننده خوبی برای روابط هند و ایالات متحده به‌عنوان دارنده بزرگ‌ترین لابی در آمریکاست.^(۲۸) در هر صورت دهلی‌نو هر هدفی را که در گسترش روابط با اسرائیل تعقیب می‌کند باید هزینه‌های روابط استراتژیک خود با اسرائیل را در جهان اسلام و خصوصاً خاورمیانه که هند منافع گسترده‌ای در آن دارد، مد نظر داشته باشد.

پنجم: روابط هند و جمهوری اسلامی ایران

مروری بر روابط ایران و هند نشان دهنده این واقعیت است که رویه یکسانی در روابط دو کشور حاکم نبوده است. تغییر رویکرد حاکم بر هند، نگرش این کشور به ایران را نیز متأثر کرده است. ایران و هند تا قبل از سال ۲۰۰۵ که آمریکا وارد معادله روابط دو کشور شد از روابط نسبتاً متعادل و خوبی برخوردار بودند. روابط دو کشور در اوایل دهه ۹۰ شتاب گرفت. پس از این که آقای رائو به‌عنوان بازمانده نهروئیسم و کسی که خط‌مشی لیبرال و آزادسازی اقتصادی در هند را ترویج می‌داد به قدرت رسید، در ایران نیز روند سازندگی اتفاق افتاد در چنین شرایطی دو کشور به لحاظ اقتصادی همدیگر را پیدا کردند. در سال ۲۰۰۱ که حزب «بی. جی. پی» به قدرت رسید روابط ایران و هند یک گام به جلو برداشت و از اقتصاد محور به امنیت محور ارتقا یافت. در سال ۲۰۰۳ اعلامیه دهلی‌نو بین ایران و هند منعقد شد و دو کشور یکدیگر را شریک استراتژیک خود عنوان کردند و متأثر از این بیانیه کشتی‌های نظامی هند در بندر چابهار و بندرعباس پهلو گرفته و کشتی نظامی ایران وارد بندر کوچی هند شد و به دنبال آن مانورهای مشترک تحقق یافت. به همین ترتیب توافق شد که هند به بازسازی تسلیحات روسی در ایران از جمله زیردریایی و هواپیماهای میگ بپردازد.

در عرصه اقتصاد نیز دو گام بزرگ در حوزه‌های انرژی و ترانزیت برداشته شد. در حوزه انرژی قراردادی به مدت ۲۵ سال، هر سال ۵ میلیون تن گاز مایع و روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت با هند منعقد شد. دو کشور توافق کردند که کریدور شمال و جنوب شروع به کار کند تا اقیانوس هند را به دریای بالتیک متصل نماید. ولی از سال ۲۰۰۵ به بعد که متغیر آمریکا وارد معادله رابطه ایران و هند شد سیاست خارجی هند

تغییر جهت داد. علی‌رغم تأکیده‌های هند مذاکرات طولانی خط‌لوله انتقال گاز ایران به جنوب غرب آسیا معلق شد. تعلل هند باعث شد تا ایران این مذاکرات را به‌طور دوجانبه با پاکستان ادامه داده و به سرانجام برساند. در همین دوران یکی از پیشنهادهای آشکار آمریکایی‌ها این است که از هند خواسته‌اند تا در مناسبات خود با ایران تجدیدنظر کند. در این راستا دولت هند بر خلاف مواضع سنتی خود، به اردوگاه قدرت‌های غربی علیه ایران پیوست و به قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۵ شورای حکام آژانس در مورد ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت رأی مثبت داد. تحول عمده دیگر در روابط دو کشور رأی ممتنع هند به قطعنامه اخیر حقوق بشر در مورد ایران بود. اکنون جهت‌گیری سیاست خارجی هند سیال و برپایه اصل منافع محور تعیین می‌شود. هر کجا که منافع هند ایجاب کند حرکت می‌کند. در مجموع در حال حاضر ملقمه‌ای از جهت‌گیری‌ها بر سیاست خارجی هند حاکم است که در این جهت‌گیری‌ها اگر هند ناچار به انتخاب باشد ملاحظات کشورهای بزرگ و برتر را که هند از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی آنان بهره‌مند است در نظر خواهد گرفت به همین دلیل این کشور با کشورهای آمریکا، فرانسه، انگلیس و کانادا پیمان مشارکت استراتژیک امضا کرده است. اگرچه هند در روابط خود با ایران تلاش کرده درجه‌ای از استقلال عمل را به نمایش گذارد اما رفتارهای چند سال اخیر در سیاست خارجی آن کشور ترجیحی بوده است. شاید بتوان حتی بر مبنای سیاست خارجی توسعه محور هند نیز روابط آن کشور با ایران را پارادوکسیکال نامید. لازمه سیاست خارجی توسعه محور توسعه روابط با دیگر کشورها است و ایران به‌عنوان دارنده انرژی و هند به‌عنوان نیازمند آن می‌تواند مکمل اقتصاد آن کشور باشد. از این منظر توسعه روابط ایران و هند اجتناب‌ناپذیر است امری که ملاحظات مدار بین‌المللی باعث شده طرف هندی کمتر به آن توجه نماید.

در مجموع، از منظر توسعه روابط خارجی هند می‌توان گفت که در پیشگیری سیاست خارجی توسعه محور توسط هند باعث شده این کشور بیش از هر چیز تعامل با دیگر کشورها و تنش‌زدایی خصوصاً با همسایگان را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دهد. به‌طور نمونه یکی از کشورهایی که بیشترین تنش را با هند داشته پاکستان بوده است. از سال ۲۰۰۴ تاکنون دو کشور ۱۵ دور مذاکره تحت عنوان گفتگوهای مرکب^۱ داشته‌اند و آخرین دور این گفتگوها در سطح وزرای امور خارجه در ژوئیه سال ۲۰۱۰ در اسلام‌آباد برگزار شد که البته به نتیجه ملموسی ختم نشد. این گفتگوها طیف وسیعی از موضوعات شامل: کشمیر، خط کنترل (ارتفاعات سیاچن و سرلریک)،

هسته‌ای، مبارزه با تروریسم، مبادله زندانیان، آب، تماس‌های مردمی، بشردوستانه، تجارت و... را در بر می‌گیرد. پیام عمده این گفتگوها تمایل دو کشور برای تنش‌زدایی است. جهت‌گیری هند با دیگر همسایگان خود از جمله نپال، بوتان، سریلانکا، بنگلادش، چین و میانمار نیز این‌گونه است.

بهره سخن

در این مقاله تلاش کردیم تا با تکیه بر یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل جهت‌گیری‌های جدید در سیاست خارجی هند را مورد بررسی قرار دهیم. عنصر هویت به‌عنوان کانون نظریه سازه‌انگاری اساس این بررسی بود چرا که گام اول در محاسبه سازه‌انگاری از سیاست خارجی مشخصات هویت دولت می‌باشد. تلاش کردیم تا نشان دهیم که نخبگان جدید حاکم بر هند چه هویتی را برای کشور خود تعریف کرده‌اند. از این منظر دید شخص و هویت وی دو عنصر جدایی‌ناپذیرند زیرا هنجارهایی که جهان‌بینی شخص را می‌سازند هویت وی را شکل می‌دهند. انتخاب عنصر هویت از آن جهت بود که هویت در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران، مهم و اساسی است. به زعم سازه‌انگاران هویت دولت منافع آن را شکل داده و منافع نیز به نوبه خود کنش‌ها و رفتار آن را به‌وجود می‌آورند. از این رو هویت‌ها پایه و اساس منافع تلقی می‌شوند. نتیجه آنکه:

۱. عامل مؤثر در رویکردهای نوین هند چه در عرصه داخلی و چه سیاست خارجی هویت جدید آن کشور است که به‌وسیله نخبگان حاکم بر هند باز تعریف شده است. فشارهای سیستمیک و تحولات روابط بین‌الملل نیز در رویکرد نوین هند مؤثر بوده، اما تأثیر این عامل در رویکرد نوین نیز متأثر از برداشت نخبگان هندی بوده است.
۲. جهت‌گیری‌های جدید در سیاست خارجی هند که می‌توان از آن به‌عنوان سیاست خارجی توسعه محور یاد کرد رونق اقتصادی و گسترش روابط خارجی را برای آن کشور به همراه داشته است.

یادداشت‌ها

۱. واعظی، محمود، الزامات همگرایی، **مجله همشهری دیپلماتیک**، سال دوم، شماره شانزدهم، نیمه مرداد ۱۳۸۶.
 ۲. واعظی، محمود، **تغییر در آسیا: به سوی همکاری و هویت مشترک**، **وبگاه مرکز تحقیقات استراتژیک**.
- همچنین برای مطالعه بیشتر در مورد تحولات آسیا نگاه کنید به سلسله مقالات منتشره در مجله همشهری دیپلماتیک سال دوم، شماره شانزدهم، نیمه مرداد ۱۳۸۶.

3. K. Natwar Singh. Keynote Adress. Europe and Asia: Perspectives on the .Emerging International Order . New Delhi: Lancer Publishers. 200 6. pp2-3
۴. مشیرزاده، حمیرا، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، چاپ اول: چاپ دوم: بهار ۱۳۸۵، صص ۳۶۳-۳۲۵.
۵. محمدی بهراسمان، محمدمیر، سازه‌نگاری و سیاست خارجی، **وبگاه آفتاب**، ۱۹ خرداد ۱۳۸۷.
۶. همان منبع.
۷. همان.
۸. توحیدی، ام‌البنین، رویکردهای نوین سیاست خارجی هند، **وبگاه مرکز تحقیقات استراتژیک**، خرداد ۱۳۸۶.
9. <http://www.aftab.ir/articles/politics/diplomacy/india>
۱۰. توحیدی، ام‌البنین، همان منبع.
- برای مطالعه بیشتر در مورد روابط هند و چین نگاه کنیده: زیبا فرزین نیا، روابط هند و چین: همکاری و رقابت، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، بهار ۱۳۸۸.
۱۱. شریعتی نیا، محسن، مشارکت استراتژیک هند و آمریکا، مهرماه ۱۳۸۴، **وبگاه مرکز تحقیقات استراتژیک**.
12. [http:// data. worldbank. org/indicator](http://data.worldbank.org/indicator). GDP.
13. CIA- the world Factbook-India .
14. <http://economywatch.com>
15. <http://strategicreview.blogspot.com>
۱۶. شفیع، نوذر، قنبری، فرهاد، جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا پس از پایان جنگ سرد، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، سال بیست و سوم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۸۸.
17. Indian Department of Commerce, Export Import Data Bank.
18. <http://fa.wikipedia.org>
19. <http://www.washingtonpost.com>. Friday. march3. 2006.
۲۰. خلاصه اطلاعات - توریم و بگه . World Nuclear Association .
۲۱. مرکز اطلاعات اورانیوم " Supply of UIC Nuclear Issues Briefing" Paper #75 - Uranium .
۲۲. برای مطالعه بیشتر در مورد روابط هند و چین نگاه کنید به : زیبا فرزین نیا، روابط هند و چین : همکاری و رقابت، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، بهار ۱۳۸۸.
۲۳. توحیدی، پیشین.
۲۴. همان.
۲۵. فرزین نیا، همان منبع.
۲۶. توحیدی، همان منبع.
27. South Asia Politics. July 2009. Vol 7.
28. Ibid.